

فرهنگ، هنر و رسانه ویژه

صبح ایران

گزارش «جام جم» از سری جدید برنامه «بگو بخند» شبکه نسیم

بامزه‌ها به خط

صفحه ۸

گفت‌وگوی «جام جم» با جمعی از هنرپیشگان «صبح جمعه با شما»

گنجینه طنازان رادیو

نگاهی به ششمین رویداد جایزه بازی‌های جدی

حمایت از بازی‌سازان جوان از دانشگاه تابزار

نگاهی به فیلم «هتل» به کارگردانی مسعود اطیابی

نمایش ابتدال در هتل

📌 زاویه دید

مهدی توکلیان آکاشناس رسانه و عکاس

📌 یادداشت

سپیده اشرفی آگروه رسانه

ماجرای یک پیام خاص به رهبر انقلاب

از وقتی پیام خبرنگار شبکه العالم خطاب به رهبری در فضای مجازی دست به دست می‌شود و از صبح خیره به مانیو، شیرزنان موغی را نگاه می‌کنم که به دیدار رهبری رفته‌اند در ذهنم دنبال کلمه و حرفی می‌گردم تا فضای آنجا را توصیف کنم و از دیدارهای این چنینی بگویم تا شاید مقدمه‌ای برای صحبت‌های خبرنگار العالم باشد. ما خبرنگاران روایتگریم اما من هیچ خاطره‌ای از آنجا ندارم و هر قدر در ذهنم گشتم، چیزی نیافتم جز خاطره لحناتی که چشم می‌بندم و خودم را آنجا تصور می‌کنم. من هیچ وقت کف دستم «جانم فدای رهبر» ننوشتم تا بالا بگیرم و پابندی کنم که به دیده پدر انقلاب بنشیند. هیچ وقت پرچم یا شعاری را روی کاغذ به این قصد ننوشته‌ام اما در تمام سال‌های خبرنگاری، آرزو داشتم که جای تک‌تک زنانی باشم که به این دیدارها می‌روند. لابد اگر می‌رفتم، مثل آرمنیازضایی‌نژاد تمام وجودم می‌لرزید و هیچ چیزی برای گفتن نداشتم، امروز اما خبرنگاری را دیدم بدون این‌که به نشانی آن خانه و آن دیدار برود، توانست پیامش را به رهبری برساند.



اسراالبحیصی را چند ماهی است که می‌شناسم و هر بار که گزارشی تهیه کرده، دست و دلم لرزیده که کاش تن و فکر این خبرنگار، این مادر و این نماد مقاومت، همیشه سلامت بماند. امروز ویدئویی از او در حسینه امام خمینی (ره) منتشر شد که خطاب به رهبری بود و ملت ایران. از مقاومت مردم ایران تشکر و جملاتی به رهبر گفته بود. درست مثل همین سه ماه به او غبطه خوردم، با کلمه به کلمه‌ها لرزیدم و صدالبته محکم‌تر شدم. روزنامه «جام جم» چند روز قبل در گزارشی ویژه، به فعالیت‌های این خبرنگار پرداخته و درباره او نوشته بود. البیحیصی که در طول شدت گرفتن تحولات غزه در قامت خبرنگار العالم در مناطق اشغالی حضور پیدا کرده در پیامی تصویری به جمع زنان و دخترانی که با رهبر انقلاب دیدار داشته‌اند، گفت: «شما ملت ایران تنها ملتی هستید که پای موضوع فلسطین و مسجدالاقصی ایستادید و به‌خاطر این حمایت تحت شدیدترین تحریم‌ها و فشارها قرار گرفتید. من در جلسه شما حاضر نیستم اما پیام مرا می‌شنوید. پیام من این است؛ همان‌طور که تالان از مردم فلسطین حمایت کردید به حمایت خودتان ادامه دهید. اگر موضع و ایستادگی همه کشورهای اسلامی همچون ایران بود، سرزمین فلسطین تالان آزاد شده بود. معلوم نیست من زنده بمانم و ممکن است خداوند شهادت را نصیبم کند اما از شما درخواست دارم مردم فلسطین و غزه را تنها نگذارید و بداند خداوند یا ماست. از

بالای ویرانه‌ها و آوار خانه‌های غزه که رژیم اشغالگر آنها را نابود کرد از بین خون‌های ریخته شده و عزتی که همچنان باید از مقاومت است تا به جهانیان معنای مقاومت در برابر رژیم اشغالگر را بیان کند. آن هم رژیم اشغالگری همانند رژیم اسرائیل که بر همگان چهره واقعی و تمام‌عیار نازی او آشکار شد. از این مکان از غزه شما را خطاب قرار می‌دهم ای ملتی که هرگز فلسطین را تنها نگذاشتید، ملتی که تحریم و فشارهای اقتصادی و ظلم‌های فراوان را به بهای دفاع از مسجدالاقصی به جان خرید و از ملتی که همگان او را تنها گذاشتند، پشتیبانی کند. درود بر شما. در حالی‌که شما درود می‌فرستم که ما روزانه کشته می‌شویم، درود می‌فرستم به شما در حالی که هر لحظه ممکن است شهید شوم. شاید هنگامی که این ویدئو به دست شما برسد من شهید شده باشم و دیگر در این دنیا نباشم. این جملات من بماند به یادگار. از شما می‌خواهم حمایت و پشتیبانی ملت فلسطین را هر آن‌کس که به خدا قسم اگر در بین کشورهای دیگر حمایتی همچون حمایت ایران نسبت به مقاومت وجود داشت، ماحیلی بیشتر از این آزادی‌شدم. شمانتهاکسی هستید که ما را حمایت می‌کنید ما به تنهایی می‌جنگیم و مقاومت می‌کنیم. خداوند با همه ماست. به همین دلیل به شما درود می‌فرستم. درود می‌فرستم به مقام معظم رهبری، آیت‌ا... سید علی خامنه‌ای و آرزوی می‌کنم که امکان بر دیدگاه خود ثابت بمانید. زیرا غزه و فلسطین نیازمند هر فرد وفادار به این قضیه هستند، به هر فرد وفادار به مسجدالاقصی و عزت ملت نیاز دارد. هر روز روح و جان‌های مان بر می‌کشد و متأسفانه خون ما ارزان شده است اما همین ما را پس است که این خون برای خود ما گران‌بهاست و آرزو داریم برای شما هم ارزشمند و گران‌بها باشد و این امید ما به شماست. درود و احترام ما به شما عزیزان و اگر خداوند شهادت را نصیب من کرد خواهش می‌کنم به عقیده و ایمان خود پایدار بمانید و از ملت فلسطین باز هم پشتیبانی کنید، به ما و فرزندان ما و نسل‌های آینده که بعد از ما پرچمدار این مقاومت خواهند بود، وفادار بمانید. ما همگی مقاوم هستیم، کودک مقاوم است که در این سرزمین ماند و مهاجرت نکرد، خبرنگار یک مقاوم است، زیرا در اینجا ماند و میکروفن به دست گرفت و جلوی دوربین به کار خود ادامه داد و این سرزمین را هر آن‌کس که پزشک نیز یک مقاوم است، زیرا ماند و در اتاق‌های عمل، زخم‌های این ملت را بست و درمان کرد و از این سرزمین مهاجرت نکرد. همه ما در اینجا مقاوم هستیم و مشتاق پشتیبانی از سوی تمام جهانیان. ما به گردن همه انسان‌ها حق پشتیبانی داریم اما چشم امید ما به افراد وفادار به این ملت است همان‌گونه که شما به ما وفادار ماندید و هستید. درود و سلام به همه شما. بعد از پخش صحبت‌های این خبرنگار، رهبر معظم انقلاب هم در این رابطه گفتند: «از آن خاتم فلسطینی که اینجا ویدئویش را مشاهده کردیم، تشکر می‌کنم. از کسانی که دست اندرکار هستند می‌خواهم تشکر ما را برسانند و خدا قوت بگویند. بگویند که من همیشه و هر شب، آنها را دعا می‌کنم.»



آرامش شام، مدیون مجاهدان جبهه مقاومت

تقدیم به سردار شهید سید رضی موسوی و فرمانده شهید و همزمانش در جبهه مقاومت

آرامش شام مدیون و مرهون سید شهیدان مدافع حرم سپید شهید حاج قاسم سلیمانی و فرماندهان و سربازان مقاومت با ملیت‌های مختلف است که عاشقانه و مردانه در برابر نامردی‌ها و نامردمی‌های وحشیان اسلام‌گریز استقامت کردند و تکرار تاریخ کربلا و مظلومیت شهیدان و مظلومان جهان را در آغاز هزاره سوم به جهانیان رساندند، بدون آنکه تصویری و نامی در شهر دیده شود؛ همان‌ها که در دفاع از حرم‌ها و امامزادگان و اعیان مقدس و دفاع از مرز جغرافیایی شیعیان مقاومت از جان و جوانی خود گذشتند تا مردمان دمشق و حلب و چهار گوشه سوریه و... از مرز سوریه تا ترکیه و لبنان و ایران در آرامش تمام، قدم بردارند و به زندگی خود توجه کنند و همچنان مانده‌اند تا دشمنان بدانند سیدنا القائد همچنان فرمانده مقاومت و جهاد است و دل‌ها و گوش‌های فرماندهان و سربازان به فرمان و اشاره اوست.

سوگند به شب‌های شام، لبنان، ایران، یمن و عراق؛ سوگند به ستاره‌های راه شهادت جبهه مقاومت و سلام به سکوت شب، به ستاره‌ها، به سکوتی که سروقامتان مردسیرت شکستند و سرود فتح سردادند؛ مظلومانی که سرود ستایش و نجوای سحرگاهی خود را با سکوتی سراسر عشق و محبت به ستاره‌های آسمان سپردند. سروقامتانی که راویان و مورخان باید سکوت شکسته آنان را در برابر داعشیان وحشی، سال‌های سال بپرانند؛ مردانی از جنس سکوت و سلامت؛ سربووشان ساده‌زیست با سربندهای سبز، با ذکر سید سردار ادب و سکوت و گمنامانی که هر کربلا را از دمشق و زینبیه با ذکر یا ابوالفضل العباس و «کلنا عباسک یا زینب» برای همیشه تاریخ با دادن سر و جان، سردادند و عشق را در قلب تاریخ سرودند.

گوینی در طول این ایام و سال‌ها هیچ حادثه‌ای اتفاق نیفتاده و آرامش برای شان فراهم است. زندگی در شهر سوخته جاری است و مردم برای خرید به خیابان‌های اصلی دمشق می‌روند و مایحتاج اولیه خود را تهیه می‌کنند و ثابت کردند که زندگی با مرگ دیگران نمی‌میرد. مردم دمشق در بسیاری موارد با مشکلاتی که روبه‌رو می‌شوند، خم نمی‌شوند، مجاله نمی‌شوند، خاک آلود نمی‌شوند و احساس نمی‌کنند که دیگر ارزش ندارند؛ صرف‌نظر از این که چه بلایی سرشان آمده است هرگز ارزش خود را از دست نمی‌دهند و هنوز هم برای زیستن در بین همشهری‌های خود که دوست‌مان دارند، به تجارت و داد و ستد مشغولند و آدم‌های باارزشی هستند و در ساده‌ترین بازار میوه هم به همدیگر احترام می‌گذارند.

مسیحی‌های شام برای ژانویه آماده می‌شوند و اهل سنت هم زندگی روزمره خود را می‌کنند؛ دروزی‌ها و علوی‌های سوریه هم مشغول معاش و معیشت خود هستند و تنها شیعیان در غربت و مظلومیت شهیدان مدافع حرم حضرت زینب سلام... علیها خون می‌گیرند و یاد برادران شهید لبنانی، افغانی، ایرانی و پاکستانی خود را مرور می‌کنند؛ سروقامتانی که در ریف (حاشیه دمشق) حلب تا درعا و مناطق مختلف در برابر داعش متجاوز ایستاده‌اند.

درب ورودی به زینبیه جوانانی رشید و نورانی در حاجزها (ایستگاه‌های بازرسی) ایستاده‌اند و جوانان شیران جوان و پرنارنجی از ورود روهپان و گرگ‌صفتان حفاظت و صیانت می‌کنند تا مبادا گنبد طلایی رنگ دمشق ذره‌ای ضربه ببیند و نمی‌گذارند تا چون حرم سیده سکینه سلام... علیها، دختر المومنین علی ابن ابی طالب و حضرت زهرا مرضیه سلام... علیها، جمعین تخریب‌شود و دمنشان و وحشیان، فکر تخریب و ورود به سایر اعیان مقدس را در ذهن ناپاکشان هم مرور کنند.

نگاهت به ساعت حرم حضرت زینب سلام... علیها در سیزده کیلومتری دمشق که می‌افتد ساعت به وقت داغستان ابد بر دل؛ در دل و ذهنت شعله‌ور می‌شود. ساعت مقام سیده زینب سلام... علیها؛ ساعت حوالی عروج و پرواز مرد میدان را در



میان حرم و در غربت زیارت زنده می‌کند.

شام، سخت‌ترین روزه‌ها ل بیت‌علیهم السلام است «الشام المملوء...» و شهریار شهر عشق از زینب و شهر دمشق گفته بود و سنگینی این فضا همچنان در هر نقطه از شهر فریاد می‌زند....

در مسیر زیارت مقام بانو سیده رقیه سلام... علیها و گذر از بازاران حمیدیه و عبور از دروازه ساعت و رد شدن از کاخ اموی روزه مصوری است که روایت غربت و مظلومیت شیعه است. عشق شیرین‌ترین بیماری دنیاست، نیازی به درمان ندارد. عشق به زیارت را از باب الصغیر در منطقه زینبیه آغاز می‌کنیم؛ قبرستانی قدیمی با قبور افرادی به بلندی تاریخ چون بلال حبشی و حضرت فضه خادمه حضرت زهرا مرضیه سلام... علیها تا مرقد عیدا... همسر حضرت زینب سلام... علیها... ریوی شهادی کربلا و مضع برخی امامزادگان که این گلدسته سفید نمادی از این آرستان قدیمی است.

سوریه‌ها یا همان عرب‌ها و به‌خصوص مردم سوریه، لبنان و عراق به شیرینی‌های رنگارنگ و متنوع خود «حلویات» می‌گویند و در مسیر این

بازار تاریخی به راحتی کام خود را شیرین می‌کنند و می‌روند و می‌آیند و



برش

سرود خرابه‌های شام

اگر باشد

همان جان‌کندن است!

دم به دم جان‌کندن، ای دل،

کار دشواری است،

نیست؟»

#قیمر امین پور

معنای این سروده زنده‌یاد امین پور در گذر از خرابه‌های شام و شهر سوخته شنیده می‌شود؛ از خشت‌های بر هم فرو ریخته و دیوارهای زخمی شهر؛ از ناله‌های زنان و کودکانی که ترس و وحشت را در زیر همین آوارها دفن کردند تا زنده بمانند و زندگی پر از نشاط را تجربه کنند.

مدتی است به ظاهر که جنگ پایان یافته ولی هنوز عیش شهادت بر لب‌های

خشک و ترک‌خورده جوانان مدافع

حرم تازیان می‌زند. افتخارشان این

است که سرباز ولایت هستند؛

هر چند دست‌شان خالیست اما

دل‌های‌شان پر از عشق ولایت

است.

«آنکه آدم هست و

عاشق نیست

کیست؟

زندگی بی‌عشق